



گفت و گو با معلول دانشمند ایرانی

بهاره هنرپرور

نباید بگذارم چرخ‌های ویلچرم جلوی چرخ زندگی‌ام را بگیرند

که زندگی مستقل خود را دور از پدر و مادر که مهم‌ترین حامیان او بوده‌اند به عنوان یک محقق بین‌المللی در زمینه طراحی داروی بیماری‌ایدرز در کشور آفریقای جنوبی شروع کرده است. آنچه در ادامه آمده، حاصل گفت‌وگوی ما با خانم دکتر بهاره هنرپرور است که به مناسبت موفقیت‌های جدید ایشان انجام شده است.

خانم دکتر از شما به عنوان یکی از افرادی که توانسته در عرصه‌های متعدد علمی افتخار آفرینی کند یاد می‌شود، از موفقیت‌های جدیدتان برایمان بگویید.

با سلام و تشکر از توجه شما در معرفی محققین موفق در عرصه‌های علمی، در خصوص جدیدترین موفقیت‌های علمی‌ام می‌توانم از شرکت و ارائه کارم در کنگره بین‌المللی آلمان در آبان ۱۳۹۱ و همچنین چاپ مقالات متعدد علمی ISI در زمینه طراحی داروی ایدز یاد کنم. پس از موفقیت کنگره آلمان برای دیدن خانواده به ایران آمدم و افتخار این را داشتم که خبر پذیرش یکی از مقالات علمی‌ام به عنوان ISI با امتیاز ۳۳ را از طریق ایمیل، از گروه تحقیقاتی آفریقای جنوبی دریافت کنم و این موفقیت را در کنار خانواده و دوستان جشن گرفتم.

اراده و پشتکار ویژه‌هایی هستند که در زندگی افراد معلول رنگ و بوی دیگری دارند. افرادی که هر کدامشان در برابر نگاه‌ها و مشکلات پیش رو قهرمان دنیای پیرامون‌شان هستند. در این میان بسیاری از معلولینی که توانسته‌اند در عرصه‌های مختلف اجتماعی و علمی، موفقیت‌های بی‌ظییری کسب کنند. از جمله بارزترین نمونه‌هایی که می‌توان نام برد خانم دکتر بهاره هنرپرور است که مدرک دکترای شیمی کوانتومی را در زمینه شبیه‌سازی و محاسبات کوانتومی بیوسیستم‌ها و طراحی دارو، از دانشگاه علوم و تحقیقات اخذ نموده و توانسته عناوین و نشان‌های متعدد علمی را در سیمینارهای داخلی و خارجی با چاپ مقالات متعدد ISI، در کنار عنوان نخبه و چهره علمی موفق در سال ۱۳۸۵ کسب کند. او همواره در انتظار فرصتی برای استفاده از دانش خود در تحقیق و پژوهش بود تا شاید پتانسیل‌ها و توانایی‌های علمی‌اش، مسوولی را تحت تأثیر قرار دهد و با دریافت امکانات و شرایط پژوهشی هر چه بیشتر بتواند در عرصه‌های علمی برای کشور افتخار آفرینی کند. اما چنین نشد و او سرانجام دعوت همکاری با یکی از گروه‌های تحقیقاتی ایدز در کشور آفریقای جنوبی را پذیرفت.

دکتر هنرپرور در حال حاضر به مدت سه سال است

چه شد که تصمیم گرفتید در کشور آفریقای جنوبی به تحقیق و پژوهش بپردازید؟

من چند ماه قبل از اتمام دوره تحصیلی دکترا، خود را آماده چالش یافتن موقعیت اجتماعی و شغلی در زمینه تخصصی خودم می‌کردم. در این زمینه درخواست‌های متعددی هم‌کاری در داخل و خارج از کشور به همراه رزومه ارسال می‌کردم.

به قول مولانا: گفت پیغمبر که گر کوبی دری /

عاقبت زان در برون آید سری

تا اینکه با پاسخ‌های مثبتی از کشور آفریقای جنوبی و چند کشور دیگر مواجه شدم. ضمن اینکه به شنیدن پاسخ مثبت از مراکز تحقیقاتی ایران نیز امیدوار بودم، و با شناختی که از روحیه پر جنب و جوش خودم داشتم، به فکرم رسید که اگر پاسخ‌های مثبت مراکز علمی خارجی را رد کنم و صرفاً به انتظار دریافت پاسخی از ایران بنشینم، ممکن است زمان و همه موقعیت‌های کسب شده را از دست بدهم. این بود که تصمیم گرفتم همکاری علمی با گروه تحقیقاتی آفریقای جنوبی را شروع کنم تا زمانی بتوانیم فرصت شغلی مناسبی در ایران بیابم و بتوانم روزی تجربیات خود را در جهت خدمت به میهن عزیزم به اجرا بگذارم.

برای معلولین و مناسب‌سازی محیط شهری جهت تردد آنان، می‌توانیم معلولین را در عرصه‌های مختلف علمی، هنری و ورزشی بسیار کارآمد ببابیم.

فکر می‌کنید نبود نگاه صحیح به افراد معلول سوابق کاری شما را تحت تاثیر قرار داده که باعث شده پیشنهاد کاری مناسب داخلی دریافت نکنید و با عوامل دیگری موثر بوده‌اند؟

از آنجائیکه من ۳ ماه پس از دفاع از رساله دکترا بلافاصله راهی کشور آفریقای جنوبی شدم، نمی‌توانم قضاوت درستی در مورد این سوال داشته باشم زیرا پاسخگویی به این سوال نیاز به زمان و رابطه‌ها و دریافت بازتاب‌های مختلف دارد. ولی در این چند موردی که در کشورم اقدام کردم اولین سوالاتی که کارفرمایان از من می‌پرسیدند اینها بود:

آیا می‌توانی هر روز با این شرایط سر کار حاضر شوی؟؟؟ آیا می‌توانی با این شرایط فیزیکی بنویسی؟؟؟ و آیاهای دیگر... و طرح این سوالات می‌تواند نشان دهنده عدم نگاه صحیح به پذیرفتن افراد معلول در فعالیت‌های علمی و اجتماعی باشد. غیر از این عامل فرهنگی، عوامل دیگری از قبیل کمبود فضاهای مناسب سازی شده و وسایل تردد ویژه و سرویس‌های بهداشتی مناسب نیز موثر بودند. یادم می‌آید که در مواردی به من می‌گفتند ما به توانایی‌های علمی شما پی بردیم و به تخصص شما نیاز داریم ولی همانطور که خودتان هم می‌بینید آسانسور و رمپ کافی و امکان پذیرایی از شما را نداریم و شما اذیت خواهید شد. جالب این است که خودم فکر می‌کردم با این سفر علمی و زندگی مستقل در دیار غربت و نوشتن مقالات ISI متعدد و رفتن روزانه به سر کار با همین شرایط جسمی توانسته باشم به بسیاری از ابهامات و باورهای اکثر افراد پاسخ بدهم. ولی در همین یک ماه و نیمه‌ای که برای دیدار خانواده و کشور عزیزم در ایران بودم به چند پژوهشگاه سر زدم؛ رزومه و تخصص علمی من تأیید شد و در مصاحبه علمی به صورت شفاهی موفق بودم. با این حال باز هم از من پرسیدند: خانم دکتر تبریک می‌گم در مصاحبه

اولین سوالاتی که کارفرمایان از من می‌پرسیدند اینها بود:

آیا می‌توانی هر روز با این شرایط سر کار حاضر شوی؟؟؟ آیا می‌توانی با این شرایط فیزیکی بنویسی؟؟؟ و آیاهای دیگر...

آیا فکر می‌کنید معلولیت جسمی - حرکتی مانعی برای فعالیت شما در عرصه‌های علمی و کاری به حساب می‌آید؟

خوشبختانه رشته و زمینه کار تخصصی من فکری است و تنها به

یک روحیه قوی و صبور و قلب و مغز سالم و فعال نیاز دارد. در حقیقت مخصوصاً این زمینه تخصصی را انتخاب کردم که بتوانم از توانایی‌های ذهنی و فکری خود حداکثر استفاده را بکنم و معلولیت جسمی - حرکتی مانع پیشرفت من نشود. یادم می‌آید روزهای انتخاب رشته همواره به خودم می‌گفتم نباید بگذارم چرخ‌های ویلچرم جلوی چرخ زندگی‌ام را بگیرد و مطمئن بودم یا راهی خواهم یافت یا راهی خواهم ساخت. لذا با همین شرایط فیزیکی توانسته‌ام به لطف خدا، بهره کافی را از الطاف الهی ببرم. پس به نظر می‌رسد با تقویت فرهنگ جامعه در جهت ایجاد فرصت‌های برابر

علمی موفق شدید ولی آیا می‌توانید هر روز به سر کار بیایید؟؟ و همان آیاهای دیگر... هنوز به همان قوت به گوشم خورده. با این حال در حال حاضر چند مرکز پژوهشی در ایران در رابطه با من حال تصمیم‌گیری نهایی هستند.

فکر می‌کنید چرا افرادی مانند شما که سرمایه‌های کشور هستند به سختی می‌توانند از علم و دانش خود در جهت منافع داخلی استفاده کنند و از نظر شما سیستم علمی آموزشی ما تا چه حد به دنبال استفاده از نواخ است؟

فکر می‌کنم بازنگری دقیق و عمیق در برنامه‌ریزی و تقویت فرهنگ کشور در خصوص سرمایه‌گذاری در زمینه جذب محققین و نوابغ می‌تواند راهگشای بازیافت سرمایه‌های کشور در نقاط مختلف جهان باشد. حقیقتش در این سه سال دوری از کشور با دانشمندان مختلف موفق ایرانی در کشورهای مختلف در تماس هستم و با این که همگی از پیشرفت و دستاوردهای موفق خود یاد می‌کنند و خوشحال و راضی هستند ولی همگی آرزو می‌کنند بتوانند این دستاوردها را در کشور خودمان و در کنار خانواده داشته باشند.

از زندگی مستقل خود برایمان بگویید و اینکه در حال حاضر در آفریقای جنوبی از چه امکاناتی برخوردار هستید؟

محل زندگی من ۱۰ دقیقه تا محل کارم فاصله دارد و سه همسایه در اطراف خودم دارم که یکی از آنها صاحبخانه‌ام است و همگی مهربان و خونگرم هستند. از ساعت ۸ صبح تا ۵ عصر هر روز سرکار می‌روم و در ساعات کاری علاوه بر تحقیق مسئول نظارت بر پروژه‌های دانشجویانم هستم. بعد از اتمام کار و برگشت به خانه کمی استراحت و ورزش و عبادت می‌کنم و از صحبت و دیدار با خانواده از طریق نرم افزار اسکایپ لذت می‌برم.

حقیقتش از امکانات موجود در آفریقای جنوبی پرسیدید باید واقعاً اعتراف کنم که به غیر از مناسب‌سازی شهری و در نظر گرفتن رمپ و آسانسور و ملاحظه رفتاری و فرهنگی افراد جامعه در جهت پذیرش معلولین، ما نیاز به امکانات خاص دیگری نداریم و همه امکاناتی را که جزو حقوق عادی شهروندی است من در اینجا دارم.

در میان دانشمندان معلول و غیر معلول کدامیک برای شما الهام بخش بوده‌اند و چرا؟

من همواره سعی می‌کنم از هر دو گروه دانشمندان معلول و غیر معلول و حتی از تمام کائنات و حتی از دانشجویان و دوستانم الهام بگیرم. به یاد دارم زمانی که در ایران بودم سعی می‌کردم تا بتوانم در برخی جلسات تفریحی و اجتماعی دوستان در گروه «انجمن باور» که متشکل از انواع دوستان معلول و غیرمعلول موفق در کنار هم بود، شرکت کنم و از فعالیت‌های آن قهرمانان زندگی، نیز الهام بگیرم.

در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس آشنایی من با دانشمند معلول انگلیسی (پرفسور ویلیام استیفن‌هاوکینگ) که با وجود معلولیت شدید (آسیب‌دیدگی مغزی) و در حالیکه حتی در گفتار مشکل دارد توانست با اخذ دکترای فیزیک کوانتومی کرسی انیشتین را بگیرد، بسیار الهام‌بخش بود.

این همه فعالیت و کار سنگین تحقیقاتی نیاز به انرژی زیادی دارد؛ منشأ این همه انرژی کجاست؟

واقعاً سوال جالبی کردید و این سوال را اینجا اکثر افراد از من می‌پرسند زیرا با وجود کار و مسوولیت‌های سنگینی که اینجا بر دوش دارم هیچ وقت ابراز خستگی نکرده‌ام و نمی‌کنم و منشأ این همه انرژی را از اتصال به خالقم می‌دانم که همواره به من انرژی و عشق به خدمت و کار می‌بخشد.

بزرگترین هدف خانم بهاره هنر پرور چیست؟

هدف من مثل هر انسان دیگر تعالی و کمال در جهت نزدیکی به خداوند است و آرزو دارم در طول عمرم بتوانم به نتایج ارزشمند علمی در زمینه تخصصی خود برسم، دانشجویان موفق را پرورش دهم و از نعمات و الطاف و استعدادهایی که خداوند به من هدیه داده است نهایت استفاده را ببرم. چون فکر می‌کنم بهترین راه برای سپاسگزاری از خداوند، استفاده از استعدادهای و توانایی‌های الهی در جهت رضای او و بندگانش است.

و سخن پایانی شما؟

امیدوارم با تلاش و مبارزه در چالش‌ها بتوانیم فرهنگ خود باوری را تقویت کنیم تا زمینه برای فرهنگ‌سازی در جهت باور جامعه را مستعد و بارور سازیم.